



اشاره

یافته‌های علمی و تجربه‌های ارزشمند پیشکسوتان همواره منشاء برکات بسیاری است. «دکتر جمشید جداری عیوضی» از جمله پیشکسوتان حوزه آموزش جغرافیاست. آنچه در ادامه می‌آید حاصل گفت‌وگوی صمیمانه با ایشان است.

• اگرچه مفتخرم که دانشجوی شما بوده‌ام، ولی برای آشنایی مخاطبان مجله، لطفاً خودتان را معرفی بفرمایید.

بنده دهم آبان‌ماه در شهر تبریز متولد شدم. تحصیلات دوره ابتدایی را در مدارس مختلف و اول متوسطه را در دبیرستان لقمان تبریز گذراندم. در سال ۱۳۳۰ ترک تحصیل کردم و بقیه دوره متوسطه را بعدها ضمن کار در چاپخانه به‌صورت شبانه ادامه دادم. در سال ۱۳۴۰ دیپلم طبیعی گرفتم. پس از خدمت سربازی از سال ۴۲ تا ۴۵ در رشته تاریخ و جغرافیای دانشگاه تبریز درس خواندم. بعدها در اداره دارایی تبریز استخدام شدم.

پس از حدود یک سال کار در دارایی تبریز به ترکیه رفتم و در استانبول دوره دکتری در رشته جغرافیای طبیعی را با گرایش ژئومورفولوژی گذراندم. بعد از بازگشت به ایران در سال ۱۳۵۳ افتخار همکاری با گروه جغرافیای دانشگاه تهران را یافتم.

قبل از انقلاب اسلامی مدتی با دانشکده افسری همکاری داشتم. بعد از انقلاب تقریباً با تمام دانشگاه‌های قدیمی و جدید که رشته

مرضیه سعیدی

یادگیری کلاً لذت بخش است

پای صحبت دکتر جمشید جداری عیوضی

گرایش ژئومورفولوژی ادامه بدهید. دانشجوی رشته اقلیم مرحوم دکتر ابراهیم جعفرپور بود.

درواقع تصادفات باعث انتخاب رشته شما بود، اول برادر تان و سپس پروفیسور ارینج و مرحوم دکتر جعفرپور.

جناب استاد یک خاطره از زمان تدریس در دانشگاه بفرمایید.
یادم هست که یک سال از دانشجویان امتحان گرفتم. دختر خانمی ۱۷ شده بود و بعد اعلام نمره‌ها آمد و گفت شما به من نمره کم داده‌اید. گفتم «اون کتاب و این هم نوشته‌هایت، خودت نگاه کن». گفت «فلان آقا از روی برگه من نوشته پس چرا اون ۱۸ شده و من ۱۷ شده‌ام؟» گفتم چون شما فقط اطلاعات خودت را نوشته‌ای ولی اون آقا اطلاعات شما و خودش را مجموعاً نوشته است. ولی دختر خانم باز می‌گفت شما مسئول هستید و نمره من کم است. ایشان را ارجاع دادم به مدیر گروه تا یک نفر را تعیین و موضوع را بررسی کند. وی مراجعه کرد به مدیر گروه آن موقع، که جناب آقای دکتر بدیعی بود. آقای دکتر مرا صدا زد و دختر خانم همان حرف‌ها را تکرار کرد. دکتر بدیعی فرمودند حالا که خودش اقرار به همکاری در تقلب دارد پس نمره‌اش صفر است. من از اتاق بیرون آمدم. دکتر بدیعی اصرار به ثبت نمره صفر داشت. بعد دختر خانم آمد به گریه و التماس که صفر نشود، حالا ما شدیم پارتی ایشان، که از دکتر مجوز قبولی برای او بگیریم و کلی خواهش و تمنا که صفر نشود. البته بعدها شنیدم که با آن آقا که تقلب کرده بود، ازدواج کرده‌اند.

از آموزش یا آموختن چه مطلبی در جغرافیا خیلی لذت برده‌اید؟

اساساً وقتی آدم بتواند به کسی بیاموزد خودش ارضای می‌شود. یاد دادن آدمی را راضی نگه می‌دارد و خوشحال می‌کند. اصلاً خود درس دادن ارضاکننده است.

در حرفه معلمی و دنیای جغرافیا، از یادگیری چه چیزی خیلی لذت برده‌اید؟

یادگیری کلاً لذت‌بخش است. وقتی من شروع کردم به دکتری و برای تحقیق روی زمین می‌رفتم از طبیعت خیلی لذت می‌بردم. در جغرافیای انسانی برخورد عقاید است، ولی در جغرافیای طبیعی، فقط با طبیعت سروکار داری. دگرگونی در جغرافیای طبیعی به سرعت جغرافیای انسانی نیست. من از مناظر طبیعی لذت می‌بردم. در اوقات فراغت هم در تلویزیون کانال گردی می‌کنم و برنامه‌های مربوط به مناظر طبیعی زمین را نگاه می‌کنم و لذت می‌برم.

کدام دانشجو بیشتر در خاطر شما مانده است؟

از بهترین خاطره‌های من، برنامه نکوداشتی بود که سال ۱۳۹۵ برگزار شد و اکثریت دانشجویان ورودی سال ۶۲ و ۶۳ جغرافیای دانشگاه تهران در آن شرکت داشتند و از صنایع دستی قلمدانی به من هدیه کردند که اسامی آن‌ها در زیر آن نوشته شده بود. وقتی اسامی را دیدم خیلی خیلی خوشحال شدم.

همچنین دانشجویی دارم که از سال‌های خیلی دور با من در ارتباط است و هرازگاهی در مناسبت‌ها از طریق تلفن و ایمیل و... حالم را می‌پرسد.

و سوم، خانمی از دانشجویان ورودی سال ۶۲ دانشگاه تهران است که

جغرافیای طبیعی داشتند همکاری کرده‌ام. در سال ۱۳۸۶ هم به افتخار بازنشستگی نایل شدم. پس از بازنشستگی مدتی با واحد علوم و تحقیقات و حدوداً ۸ سال با واحد مرند دانشگاه آزاد همکاری داشتم. بالاخره از بهمن‌ماه سال گذشته (۱۳۹۴) کار تدریس را به‌طور کامل کنار گذاشتم و واقعاً بازنشسته شدم.

جناب استاد چه عاملی باعث شد که در رشته جغرافیا تحصیل کنید؟

در دوره سربازی رفتم کنکور دادم و رشته‌های ادبیات فارسی و جغرافیا قبول شدم. چون برادر و خواهر کوچک‌ترم در رشته ادبیات فارسی درس خوانده بودند، برادرم گفت «دو نفر ادبیات خوانده‌ایم کافی است، شما رشته جغرافیا بخوانید» و این‌طور شد که من در رشته جغرافیا تحصیل کردم. البته رشته‌های تحصیلی همه خوب هستند و وقتی در یک رشته شروع کنید کم‌کم علاقه پیدا می‌کنید. من هم به تدریج علاقه‌مند شدم.



جناب استاد، چرا در جغرافیا گرایش طبیعی و سپس ژئومورفولوژی را انتخاب کردید؟

دوره لیسانس که در دانشگاه تبریز بودم، استادان خوبی داشتیم: آقای دکتر هویدا، آقای دکتر فرید و چند نفر دیگر؛ یکی از اساتید هم از تهران می‌آمد، آقای دکتر کاظم ودیعی که جغرافیای طبیعی درس می‌داد. وی در آن زمان کتاب جغرافیای طبیعی امانوئل دومارتون را ترجمه کرده بود و به‌صورت جزوه داده بود و در کلاس هر جلسه یکی دو نفر از دانشجویان می‌خواندند و بعد نوبت به من رسید، که من می‌خواندم و ایشان توضیح می‌دادند و استاد خواندن مرا خیلی پسندیده بود و این، مرا تشویق کرد که به جغرافیای طبیعی گرایش پیدا کنم. آن وقت‌ها رشته تاریخ و جغرافیا یکی بود و من علاقه‌مند به جغرافیای طبیعی شدم و بعد ادامه دادم و رفتم ترکیه. در دانشگاه استانبول، استادی داشتیم به نام پروفیسور ارینج. وقتی مصاحبه کردیم من گفتم می‌خواهم در رشته اقلیم ادامه تحصیل بدهم، اما پروفیسور ارینج گفت یک نفر ایرانی اینجا هست که اقلیم می‌خواند، پس شما در

بعد از پایان تحصیلاتش از من قدردانی کرد و من احساس کردم این یک محبت بی‌شائبه است، چون دیگر چشم‌داشتی نداشت.

جناب استاد، چه سفارشی به معلمان، به ویژه معلمان جغرافیا دارید؟

معلمان باید سه اصل را رعایت کنند: اول آنکه شغل معلمی یک الزامات اخلاقی دارد که کاملاً مثل شغل پزشکی است، فقط سوگندنامه ندارد. یک پزشک، اگر بیمارش دوست باشد یا دشمن و از هر قوم و مذهبی باشد و... برایش فرقی نمی‌کند. او باید بیمارش را معالجه کند. معلمی هم همین‌طور است، باید بین دانش‌آموزان فرقی نگذارد؛ از این خوشم می‌آید و از آن خوشم نمی‌آید، نداریم. در معلمی، اصل، یاد دادن است. دوم اینکه تا حدی که می‌تواند آموخته‌ها و تجارب خودش را منتقل کند. نکته سوم و خیلی مهم اینکه نباید کسی را گمراه کند. اگر کسی سؤالی پرسید که پاسخش را نمی‌دانست دقیقاً بگوید که نمی‌داند یا اگر منبعی بلد است آن منبع را معرفی کند یا اینکه بگوید می‌پرسم بعداً می‌گویم، فقط گمراه نکند. بعضی‌ها فکر می‌کنند اگر بگویند نمی‌دانم عیب بزرگی است، نه اصلاً عیب نیست، چون همه چیز را همگان دانند. امیدوارم که وظایف معلمی را در طول خدمتم رعایت کرده باشم و به معلمان هم توصیه می‌کنم که نهایت تلاش و کوشش خود را در ادای هر چه بهتر وظایف معلمی به کار برند.

در مورد فعالیت‌های دانشگاهی‌تان بفرمایید.

کتاب‌ها و مقاله‌ها

۱. کتاب *جغرافیای آب‌ها*، چاپ سیزدهم، سال ۱۳۸۶، انتشارات دانشگاه تهران.
۲. کتاب *جغرافیای آب‌ها*، به‌صورت خودآموز، چاپ اول، سال ۱۳۶۹، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۳. نقشه و نقشه‌خوانی در *جغرافیا*، چاپ دهم، سال ۱۳۸۵، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۴. کتاب *اصول کارتوگرافی*، چاپ هشتم، سال ۱۳۸۵، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۵. کتاب *ژئومورفولوژی ایران*، چاپ هشتم، سال ۱۳۸۶، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۶. مقاله «ژئومورفولوژی دره کوزه‌کنان» سال ۱۳۵۶، *مجله جغرافیا (ضمیمه مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران)*.
۷. مقاله «ناحیه شمال غرب ایران، یک واحد بزرگ ژئومورفولوژی» سال ۱۳۶۳، *مجله پژوهش‌های جغرافیایی*، مؤسسه جغرافیای دانشگاه تهران.
۸. مقاله «ژئومورفولوژی مناطق بیابانی»، سال ۱۳۶۵، *مجله زیتون (وزارت کشاورزی)*.
۹. مقاله «فرایندهای بیرونی تشکیل‌دهنده ناهمواری در کف دریای خزر (ترجمه)»، سال ۱۳۶۷، *مجله پژوهش‌های جغرافیایی*، مؤسسه جغرافیای دانشگاه تهران.
۱۰. مقاله «کویر کبودان»، سال ۱۳۶۱، *مجله پژوهش‌های جغرافیایی*، مؤسسه جغرافیای دانشگاه تهران.
۱۱. مقاله «ژئومورفولوژی دره اهر»، سال ۱۳۶۷، *مجله پژوهش‌های جغرافیایی*، مؤسسه جغرافیای دانشگاه تهران.

۱۲. مقاله «کارایی واحدهای ژئومورفولوژی در ارزیابی فرسایش و رسوب»، (مقاله مشترک - نفر اول)، سال ۱۳۸۰، *مجله پژوهش‌های جغرافیایی*، مؤسسه جغرافیای دانشگاه تهران.

۱۳. مقاله «تکامل ژئومورفولوژی دلتای سفیدرود در کواترنر»، (مقاله مشترک - نفر اول)، سال ۱۳۸۴، *مجله پژوهش‌های جغرافیایی*، مؤسسه جغرافیای دانشگاه تهران.

۱۴. مقاله «محاسبه و تحلیل دبی متوسط سیل با استفاده از روش تحلیل منطقه‌ای سیلاب در محدوده خیرود نوشهر»، (مقاله مشترک

اساساً وقتی آدم بتواند به کسی بیاموزد خودش ارضای می‌شود. یاد دادن آدمی را راضی نگه می‌دارد و خوشحال می‌کند. اصلاً خود درس دادن ارضاکننده است.

- نفر دوم)، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، ۱۳۸۵.

۱۵. مقاله «شواهد ژئومورفولوژی مرزهای یخچالی در دامنه‌های کرکس»، (مقاله مشترک - نفر دوم)، *مدرسه علوم انسانی*، بهار ۱۳۸۶.

۱۶. ویرایش علمی کتاب‌های مختلف.

طرح‌های پژوهشی

۱. طرح اطلس شیب ایران (همکار).
۲. طرح اطلس مقاطع ارتفاعی ایران (همکار).
۳. طرح اطلس ژئومورفولوژی ایران (همکار).
۴. طرح اطلس ملی (تهیه نقشه ژئومورفولوژی ایران) (همکار).
۵. طرح ژئومورفولوژی دره اهر (مجری).
۶. طرح منبع آب منطقه ماکو (مجری).
۷. طرح ژئومورفولوژی منطقه کاشان (با تأکید بر نقشه ژئومورفولوژی ۱/۲۵۰۰۰۰ (مجری).
۸. طرح بررسی کارایی مدل پلیتر در مشخص کردن مناطق مرفودینامیک ایران (مجری).
۹. طرح بررسی نوسانات دوره‌ای سطح دریاچه ارومیه و اثرات محیطی آن (مجری).

راهنمایی رساله دکتری و پایان‌نامه کارشناسی ارشد

رساله دکتری دانشگاه تهران

۱. آقای ملکی / تحولات ژئومورفولوژی بخش علیایی حوضه قمروود / ۱۳۷۵.
۲. آقای زمریدیان / هیدرومرفودینامیک دامنه شمالی بینالود و کاربرد آن در مدیریت محیط / ۱۳۷۷.
۳. آقای جعفریگلو / بررسی ژئومورفولوژی رودشور با استفاده از آراس. و جی.آی. اس / ۱۳۸۰.

● جناب استاد، نظر تان در مورد مجله رشد جغرافیا چیست و چه پیامی برای سردبیر و مدیر داخلی مجله دارید؟
مجله خوبی است و برای آنان آرزوی موفقیت دارم.
آقای دکتر، خیلی شما را خسته کردم، اما هنوز سؤالات زیادی برای خوانندگان مجله باقی مانده است. من چند تا سؤال دیگر می‌پرسم و رفع زحمت می‌کنم. شما هم اگر صلاح بدانید کوتاه پاسخ بفرمایید.

● از بین انواع کتاب‌ها کدام را بیشتر دوست دارید؟ و چرا؟
من همه کتاب‌ها را دوست دارم، چون آدم از هر نوشته‌ای چیزی یاد می‌گیرد. من شب‌ها اگر چیزی نخوانم خوابم نمی‌برد. شب‌ها اغلب سفرنامه‌ها یا کتاب‌های تاریخ را مطالعه می‌کنم

معلمی یک الزامات اخلاقی دارد که کاملاً مثل شغل پزشکی است، فقط سوگندنامه ندارد. یک پزشک، اگر بیمارش دوست باشد یا دشمن و از هر قوم و مذهبی باشد و... برایش فرقی نمی‌کند. او باید بیمارش را معالجه کند. معلمی هم همین‌طور است،



● چرا هیچ‌گاه برای مجله رشد آموزش جغرافیا مقاله‌ای ننوشتید؟
به خاطر امتیاز در ارتقای درجه علمی، ترجیح می‌دادم اگر مقاله‌ای می‌نویسم در مجله‌های دانشگاه چاپ شود.

● خاطره بد یا دانشجوی بدی داشته‌اید که خستگی تدریس را به تن شما گذاشته باشد؟
خوشبختانه خاطره بدی ندارم.

● آیا به فرزندانان اجازه می‌دادی رشته شما را دنبال کنند؟
پدر من هیچ‌وقت نظر خودش را به ما تحمیل نمی‌کرد، من هم یاد گرفته بودم نظر خودم را به کسی تحمیل نکنم.

● فرزندانان در چه رشته‌هایی تحصیل کرده‌اند؟
من سه دختر و یک پسر دارم. دختر بزرگم دکترای بیوشیمی از کشور کانادا دارد. دختر دومم لیسانسیه تغذیه از دانشگاه بهشتی است. دختر کوچکم (که با برادرش دوقلو هستند) فوق‌لیسانس برق رشته مخابرات از دانشگاه تهران و پسر من فوق‌لیسانس نفت و گاز در شاخه استخراج از دانشگاه تهران و فوق‌لیسانس همان رشته در رشته اکتشاف از کشور هلند است.

● از تحمل و حوصله شما برای انجام این مصاحبه تشکر می‌کنم.

۴. خانم قهرودی/ ژئومورفولوژی حوضه آبریز رود لار/ ۱۳۷۷.
۵. خانم طاحونی/ تکامل ژئومورفولوژیکی ارتفاعات تالش/ ۱۳۸۰.
۶. آقای خوشرفتار/ بررسی روند تکامل دلتای سفیدرود در کواترنر/ ۱۳۸۴.
۷. خانم جهادی طرقي/ علل و آثار ژئومورفولوژیکی طغیان‌های دوره‌ای رودخانه گلستان/ ۱۳۸۷.

رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس

۱. آقای جوکار سرهنگی/ کارایی واحدهای ژئومورفولوژی در ارزیابی فرسایش و رسوب در حوضه آبخیز بوحان/ ۱۳۷۹.

رساله دکتری دانشگاه آزاد اسلامی

۱. آقای نادرصفت/ تکامل ژئومورفولوژی حوضه آبخیز جاجردود/ ۱۳۷۵.
۲. آقای صمدزاده/ ژئومورفولوژی دره زنگمار در ماکو/ ۱۳۷۵.
۳. آقای اسغری مقدم/ هیدرومورفولوژی حوضه کال شور در منطقه سبزوار/ ۱۳۷۶.
۴. آقای رنجبر/ بررسی ژئومورفولوژیکی حوضه آبخیز ماسوله/ ۱۳۸۰.
۵. آقای افشار/ ژئومورفولوژی دره شاهرود/ ۱۳۸۱.
۶. آقای بزرگمهر/ ژئومورفولوژی ساحلی و نقش آن در مدیریت محیط (از بهشهر تا چالوس)/ ۱۳۸۴.
۷. خانم اسدیان/ شواهد تحولات ژئومورفولوژیکی کواترنر در کف چاله مسیله/ ۱۳۸۵.
۸. خانم گیوه‌چی/ ژئومورفولوژی توده کرکس/ ۱۳۸۵.
۹. آقای گلزای/ بررسی ناپایداری دامنه‌های غربی کوه‌های تالش/ ۱۳۸۵.
۱۰. آقای آزادبخت/ اثرات نئوتکتونیک و تحولات اقلیمی کواترنر در مخروط‌های آبرفتی دامنه‌های جنوبی البرز/ ۱۳۸۶.
۱۱. خانم غواصی روشن/ بررسی ژئومورفولوژی دامنه‌های غربی سهند با تأکید بر نئوتکتونیک/ ۱۳۸۶.
پایان‌نامه کارشناسی ارشد، در دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد، بیش از هشتاد فقره.

مسئولیت‌های اجرایی در دانشگاه

۱. سرپرستی دوره شبانه گروه جغرافیای دانشگاه تهران/ ۴ سال.
۲. سرپرستی هسته علمی جغرافیای دانشگاه پیام نور/ ۲ سال.
۳. مدیریت گروه جغرافیای طبیعی دانشگاه تهران/ از اسفند سال ۱۳۸۰ تا ۴ سال.

عضو هیئت تحریریه مجله‌های:

۱. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی (مشهد).
۲. فصلنامه جغرافیایی سرزمین (دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات).
۳. فصلنامه جغرافیا (دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی).